



شرح جامع

مبانی جغرافیای انسانی

«علوم جغرافیایی»

مؤلف: سعید جهان آرای



پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که در حوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس (منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست‌نیافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می‌شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه آزمون‌های سراسری - آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رنژی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی‌نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشر

www.arshadbook.ir

به نام خدا

پیشگفتار مولف

جغرافیا را علم مطالعه روابط انسان و محیط دانسته‌اند و این علم اگر انسان را به خداوند و معرفت او رهنمون نباشد ارزشی نخواهد داشت. جغرافیای انسانی نیز یکی از تقسیمات اصلی علم جغرافیاست که تأکید آن بر مردم است تا بتواند با تکیه بر مطالعات علمی خود از مشکلات انسان‌ها بکاهد.

در این مجموعه سعی شده است تا منابع قابل دسترس جغرافیای انسانی را که در آزمون‌های سوالات گذشته مقطع کارشناسی ارشد مورد استفاده قرار گرفته است را به صورتی کاربردی و قابل دسترس در اختیار عزیزان علاقمند به شرکت و راه‌یابی به دوره‌های کارشناسی ارشد جغرافیا قرار دهیم.

از این فرصت استفاده می‌کنم و نهایت تشکر خود را از دوستان و همکاران عزیز و مسئولین محترم و فرهنگی انتشارات ارشد ابراز می‌کنم.

در ضمن در تهیه رفرنس‌های این مجموعه از مساعدت‌های بی‌دریغ سرکار خانم اعظم اسماعیلی کارشناس ارتباطات برخوردار بوده‌ام که از ایشان نیز تشکر فراوان دارم.

یا حق

سعید جهان‌آرای

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات و مفاهیم و موضوعات مورد بحث در جغرافیای انسانی
۱۲	۱- موقع یا مکان قرار گرفتن.....
۱۲	۲- جهت.....
۱۲	۳- فاصله.....
۱۲	خصوصیات طبیعی و فرهنگی.....
۱۳	اصطلاح ناحیه (REGION) و مفاهیم آن.....
۱۳	انواع ناحیه.....
۱۴	روشها و تکنیکهای کمک کننده در جغرافیای انسانی.....
۱۴	مقیاس نقشه.....
۱۵	انواع نقشه‌ها و جغرافیای انسانی.....
۱۵	انسانهای اولیه و تمدنهای قدیمی.....
۱۷	عصر فلزات.....
۱۸	خط و نویسندگی.....
۱۸	تمدنهای قدیمی.....
۱۸	تمدنهای خاورمیانه.....
۱۹	نژاد و قوم.....
۱۹	زبانهای متداول در دنیا.....
۱۹	مفاهیم اصطلاحی مهم در مورد زبانهای دنیا در مطالعات جغرافیایی انسانی.....
۲۱	ادیان عمده جهان.....
۲۱	دین زرتشتی.....
۲۱	دین جهودیت یا کلیمی یا یهودی.....
۲۱	هندوایسم.....
۲۱	بودایسم.....
۲۲	مذاهب قبیللهای اینیمیسیم.....
۲۲	سکولاریسم (دنیاگرایی).....
۲۲	جغرافیای جمعیت.....
۲۳	جغرافیای سیاسی.....

۲۳.....	جغرافیای روستایی
۲۴.....	سابقه کشاورزی در جهان (جغرافیای کشاورزی)
۲۴.....	جغرافیای اقتصادی
۲۵.....	جغرافیای فرهنگی
۲۶.....	جغرافیای شهری
۲۸.....	جغرافیای کوچ‌نشینی
۲۹.....	خلاصه فصل
۳۰.....	تست‌های آخر فصل
۳۳.....	پاسخ تست‌های آخر فصل

فصل دوم: مکاتب جغرافیایی و جغرافیدانان انسانی

۴۸.....	خلاصه فصل
۴۹.....	تست‌های آخر فصل
۵۲.....	پاسخ تست‌های آخر فصل

فصل سوم : جغرافیای جمعیت

۵۵.....	جغرافیای جمعیت
۵۶.....	نرخ یا بهره‌ی مرگ‌ومیر
۵۷.....	ساختار هرم‌های سنی - جنسی جمعیت
۵۷.....	افزایش طبیعی جمعیت (نرخ رشد)
۵۷.....	زمان دو برابر شدن جمعیت
۵۷.....	مراحل تحولات دموگرافیکی
۵۸.....	موازنه‌ی دموگرافیکی
۵۸.....	فرایند مهاجرت
۵۸.....	الگوهای مهاجرتی
۵۹.....	تراکم نسبی جمعیت (POPULATION DENSITY)
۶۳.....	خلاصه فصل
۶۴.....	تست‌های آخر فصل
۶۷.....	پاسخ تست‌های آخر فصل

فصل چهارم : جغرافیای شهری

۷۱.....	مقدمه
۸۲.....	جغرافیای شهری ایران
۸۴.....	خلاصه فصل
۸۵.....	تست‌های آخر فصل
۸۸.....	پاسخ تست‌های آخر فصل

فصل پنجم : جغرافیای روستایی

مقدمه	۹۱
جغرافیای کوچ‌نشینی	۹۵
خلاصه فصل	۹۸
تست‌های آخر فصل	۹۹
پاسخ تست‌های آخر فصل	۱۰۲

فصل ششم: جغرافیای اقتصادی

جغرافیای اقتصادی (صنعت - حمل و نقل - انرژی)	۱۰۵
جغرافیای صنعتی	۱۰۶
عوامل مکانی و موقعیتی مؤثر در مکان‌یابی صنعتی	۱۰۷
حمل و نقل	۱۰۸
انرژی	۱۰۹
جغرافیای اقتصادی کاربردی	۱۰۹
نظریه‌های نو در جغرافیای اقتصادی	۱۱۰
خلاصه فصل	۱۱۱
تست‌های آخر فصل	۱۱۲
پاسخ تست‌های آخر فصل	۱۱۴
منابع	۱۱۵

فصل اول

کلیات و مفاهیم و موضوعات مورد بحث

در جغرافیای انسانی

عناوین اصلی

- ◀ خصوصیات طبیعی و فرهنگی
- ◀ اصطلاح نامیه (Region) و مفاهیم آن
- ◀ روش‌ها و تکنیک‌های کمک کننده در جغرافیای انسانی
- ◀ مقیاس نقشه
- ◀ انسان‌های اولیه و تمدن‌های قدیمی
- ◀ مفاهیم اصطلاحی مهم در مورد زبان‌های دنیا
- ◀ ادیان عمده جهان
- ◀ سابقه کشاورزی در جهان (جغرافیای کشاورزی)
- ◀ خلاصه فصل

فصل اول

کلیات و مفاهیم و موضوعات مورد بحث در جغرافیای انسانی

جغرافیای انسانی یکی از تقسیمات اصلی علم جغرافیا است و تأکید آن بر مردم است، یعنی آنکه مردم در کجا زندگی می‌کنند و چگونه به نظر می‌آیند و به چه صورتی در یک فضا عملکرد متقابل دارند و چگونه انواع چشم‌اندازهای بشری را بر روی چشم‌اندازهای طبیعی بوجود می‌آورند.

جغرافیای انسانی یعنی مطالعه محیط طبیعی در رابطه با عکس‌العمل زندگی انسان. به عبارت دیگر جغرافیای انسانی قلمرو بررسی ارتباط بین محیط طبیعی با گروه‌های انسانی است که این گروه‌ها در محیط‌های جغرافیایی خود پدیده‌های طبیعی را مشاهده، درک و عکس‌العمل نشان داده، شرایط زندگی خود را با آن منطبق می‌سازند.

استمپ (Dudley Stamp): جغرافی‌دان معروف انگلیسی جغرافیای انسانی را چنین تعریف می‌کند:

مطالعه جغرافیایی از چهره‌ها و پدیده‌های سطح سیاره زمین که مستقیماً با انسان و فعالیت‌های او در رابطه است.

هربرت کريل (Herbert G. Kariel) جغرافی‌دان آمریکایی معتقد است که:

جغرافیای انسانی به تجزیه و تحلیل پراکندگی انسان و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سیاسی او می‌پردازد.

مهمترین زیرتقسیمات جغرافیای انسانی که در آن از علوم دیگر نیز استفاده شده است عبارتند از:

- ۱- جغرافیای جمعیت
- ۲- جغرافیای اقتصادی
- ۳- جغرافیای سیاسی
- ۴- جغرافیای شهری
- ۵- جغرافیای روستایی و کوچ‌نشینی
- ۶- جغرافیای فرهنگی
- ۷- جغرافیای تاریخی
- ۸- جغرافیای رفتاری

که هر کدام از این تقسیمات زیرشاخه‌های خاص خود را نیز دارند مثلاً در جغرافیای اقتصادی زیرشاخه‌هایی مانند جغرافیای صنعتی و جغرافیای کشاورزی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.

در مطالعات جغرافیایی، مکان، جهت و فاصله از مفاهیم اساسی در شناخت و توجیه روابط متقابل فضایی می‌باشد و اطلاع دقیق از این مفاهیم برای مطالعات جغرافیایی ضروری می‌باشد.

۱- موقع یا مکان قرار گرفتن:

در جغرافیا دو مفهوم اساسی در مورد موقع جغرافیایی وجود دارد که یکی موقع مطلق (ریاضی) و دیگری موقع نسبی می‌باشد که موقع مطلق و ریاضی یک مکان یعنی قرار گرفتن یک مکان نسبت به طول و عرض جغرافیایی زمین و موقع نسبی یک مکان یا ناحیه یعنی طرز قرارگیری آنها نسبت به نقطه و یا ناحیه مشخص دیگری که بیان می‌شود مثلاً ایران از نظر موقع مطلق و ریاضی در طول جغرافیایی تقریباً 52° شرقی و عرض جغرافیایی تقریباً 35° شمالی (تهران) قرار گرفته و موقع نسبی ایران را به این صورت می‌گویند مثلاً ایران در جنوب غربی آسیا قرار گرفته است یا مثلاً شهر تهران نسبت به شهر مشهد در چه موقع نسبی قرار گرفته است.

۲- جهت:

دومین مفهوم فضایی جهانی جهت می‌باشد که آنهم دارای دو معنای مطلق و نسبی می‌باشد که جهت مطلق را بر اساس چهار نقطه اصلی شمال و جنوب و شرق و غرب و جهت‌های فرعی بین آنها قرار دارد مانند شمال شرقی و غربی و جنوب شرقی و غربی.

مفهوم جهت نسبی هم که از تاریخ و سیاست هم وامدار می‌باشد عنوان‌هایی مانند خاورمیانه و خاور نزدیک و خاور دور.

۳- فاصله:

فاصله نیز دارای دو مفهوم نسبی و مطلق است منظور از فاصله مطلق این است که دو نقطه بر روی زمین را بتوان بر حسب متر و کیلومتر و مایل و غیره محاسبه نمود در حالی که فاصله نسبی را از لحاظ زمانی و یا برخی ملاحظات انسانی محاسبه می‌شود مثلاً فاصله بین تهران و اصفهان را این‌چنین بیان می‌کند از راه زمینی حدود ۴ ساعت فاصله دارند.

خصوصیات طبیعی و فرهنگی:

هر مکان صفاتی طبیعی و فرهنگی خاصی دارد که آن را از سایر مکان‌ها متفاوت و متمایز می‌سازد.

جغرافیدانان برای شناخت و تجزیه و تحلیل نمودن جزئیات این خصوصیات و مخصوصاً تشخیص رابطه متقابل بین محیط و فرهنگ ناحیه علاقمند می‌باشند و در چشم‌اندازهای طبیعی یک مکان یا ناحیه عملکردهای انسانی اتفاق می‌افتند که مورد توجه جغرافیای انسانی می‌باشند.

در تعریف چشم‌انداز فرهنگی Cultural Landscape، کارل ساور (۱۹۷۵-۱۸۸۹) جغرافیدان آمریکایی گفته است دخالت‌های انسان بر روی سطح زمین چهره‌ی زمین یا چشم‌انداز طبیعی را دچار تغییراتی می‌نماید که نتیجه حاصله را چشم‌انداز فرهنگی می‌گویند.

این چشم‌اندازها شامل موضوعاتی مربوط به جمعیت، مسکن‌گزینی، تولید و ارتباطات (حمل و نقل) و ... می‌باشد.

جغرافیدانان در بررسی‌های خود تغییرات حاصله در سیمان و معماری مساکن، چگونگی طرح و نقشه کوچه‌ها، خیابانها، بزرگراهها، میادین و اشکال مختلف کاربردی زمین را در یک مقطع زمانی مطالعه می‌کنند و علل این تغییرات را در طول زمان می‌جویند.

مثلاً با مقایسه عکس‌های هوایی یک ناحیه در زمانهای گذشته و حال تغییرات چشم‌اندازهای فرهنگی را نشان می‌دهند. در این زمینه بررسی تغییرات نقشی یا وظیفه‌ای مربوط به مکان‌های جغرافیایی مورد مطالعه نیز دارای اهمیت بسیار می‌باشد و به جغرافیدانان انسانی امکانات تحلیل دقیق‌تری را در بررسی کنونی آنها از آن ناحیه می‌دهد مثلاً روستاهای

نزدیک و مجاور مادر شهرها که در حال گذر از زندگی روستایی به شهری می‌باشد و یا دارای نقش شهری شده‌اند یک نمونه از این تغییرات مورد توجه جغرافیدانان است.

مکانهای جغرافیایی با سایر مکانها و شیوه‌های ساختار یافته و جامعیت‌دار عملکرد متقابل دارند و بر طبق یک اصل جغرافیایی ارتباط متقابل بین پدیده‌ها وجود دارد و هر اندازه مکانها و مسائل به هم نزدیک‌تر باشند، ارتباط قوی‌تر خواهد بود، در این رابطه جغرافیدانان سوئدی هگر اشتراند (Hager Srpand) نظریه پخش نوآوری را در ۱۹۵۳ مطرح کرد که مراحل پخش یک مشخصه فرهنگی را در ۳ گروه بیان کرد:

۱- نحوه پخش مجاورتی که بدون توجه به رعایت سلسله مراتبی موجود یک ابداع و نوآوری در مکانهای مرکزی اطراف پخش شده و سرایت می‌کند.

۲- پخش گسترشی یا سلسله مراتبی که یک خصوصیت فرهنگی و یا نوآوری در رابطه با رعایت سلسله مراتب مکانهای مرزی صورت می‌گیرد.

۳- پخش به صورت دوباره مکان‌یابی است که در ارتباط با جابجایی و مهاجرت مردمان یک نقطه در نقطه دیگر جهان است. پراکندگی یا توزیع فضایی در جغرافیا یعنی طرز قرارگیری اشیاء، نقاط و مکان‌ها بر روی سطح کره زمین و پراکندگی از ارکان مهم مطالعات جغرافیا بوده و به فهم و ادراک و بررسی خصوصیات جغرافیایی کمک می‌کند و به آن توزیع جغرافیایی نیز می‌گویند که معمولاً جغرافیدانها هرگونه پراکندگی را در روی سطح زمین با نقشه نشان می‌دهند و به آن توزیع جغرافیایی نیز می‌گویند که معمولاً توزیع فضایی شامل به خصوصیت می‌باشد:

۱- تراکم نسبی: ملاک اندازه‌گیری تعداد یا مقادیر هر چیزی در داخله یک واحد مشخص تراکم نسبی آن محسوب می‌شود.

۲- تفرق (پراکندگی): مقدار پخش یک پدیده را در روی یک ناحیه شرح می‌دهد و چگونگی پراکندگی پدیده‌ها را می‌گوید.

۳- بافت: طرز قرارگیری هندسی اشیاء در فضا به نام بافت خوانده می‌شود ولی تأکید اصلی بافت‌های سکونت‌گزینی‌ها بافت متمرکز و بافت متفرق و بافت رندوم و بافت خطی و ... را می‌توان نام برد.

اصطلاح ناحیه (Region) و مفاهیم آن:

اصطلاح ناحیه به بخش‌های یا واحدها و یا مکان‌های مرکزی موجود در روی کره زمین اطلاق می‌شود که دارای هماهنگی در یک یا چند خصوصیت مشترک جغرافیایی بوده‌اند و عموماً دارای وحدت و تجانس و هماهنگی باشند.

این خصوصیات مشترک می‌تواند مبتنی بر عوامل جغرافیایی طبیعی و یا جغرافیای انسانی تلقی شود و مثلاً از نظر عوامل جغرافیایی طبیعی در تقسیم‌بندی ناحیه می‌توان به نواحی قطبی، حاره‌ای، جلگه‌ای، بیابانی و خشک و ... اشاره کرد و از نظر عوامل انسانی در تقسیم‌بندی ناحیه می‌توان به نواحی شهری و روستایی و نواحی معتقدان به دین اسلام و نواحی متکی به زبان فارسی و ... اشاره کرد.

ناحیه‌بندی کاری صرفاً جغرافیایی است و بر اساس طرز تفکر جغرافیدانان و شیوه کار او بطور اختیاری صورت می‌پذیرد، البته در این زمینه اطلاعات موجود در دسترس جغرافیدانان مهمترین نقش را ایفا می‌نماید.

انواع ناحیه:

۱- متحدالشکل یا ظاهری (Formal)

۲- نقشی یا گره‌ای (Nodal, Functional)

نواحی ظاهری یا متحدالشکل بر اساس تلفیقی محدود از سیمای طبیعی و یا انسانی فرهنگی بوجود آمده‌اند، مانند سواحل دریا، کشتزارهای برنج، مردم یک‌زبان خاص که هر یک بطور جداگانه یک ناحیه ظاهری متحدالشکل را ایجاد می‌کنند. نواحی نقشی یا گره‌ای که در یک سیستم فضایی است که در ارتباط با عملکردهای متقابل و پیوستگی‌های خاص تعیین می‌گردد و دارای یک ویژگی بنیادی پویا می‌باشد و نواحی نقشی یا گره‌ای که در یک سیستم توزیع فضایی مشارکت دارند دارای روابط رقابتی می‌باشند که در رابطه با توسعه ناحیه‌ای، رفتارهای مراجعاتی مردم و مقطع زمانی قابل تغییر هستند. در این زمینه می‌توان به مطالعات جغرافیدانانی که در جهت تعیین حوزه نفوذی مکانهای مرکزی یک ناحیه (پسکرانه‌ها) اقدام کرده‌اند اشاره نمود، آنها با بهره از تحقیقات تئوری و تجربی خود به تعیین حدود جاذبه هر مکان مرکزی برای جذب تقاضای مردمان ساکن در حوالی آن مکان‌های مرکزی دست یافته‌اند.

روش‌ها و تکنیک‌های کمک کننده در جغرافیای انسانی:

در مطالعات جغرافیای انسانی از روش‌هایی کمک کننده استفاده می‌شود که در بارور ساختن آن نقش حیاتی را ایفا می‌نمایند مانند نقشه‌کشی، تفسیر عکس‌های هوایی (کارتوگرافی) و ماهواره‌ای، جمع‌آوری اطلاعات میدانی بوسیله GIS (جی آی اس) یا سیستم اطلاعات جغرافیایی (دورسنجی و ...)

۱- **عکس هوایی:** با استفاده از هواپیما و تکنیک‌های خاص مهندسی از عوارض طبیعی و انسانی کروی زمین تهیه می‌شوند و از لحاظ تحلیل‌های جغرافیایی بسیار اهمیت دارند و علاوه بر ارائه مستقیم اطلاعات مورد نیاز جغرافیدانان مبنای تهیه بسیاری از انواع نقشه‌ها نیز هستند مثلاً کاربرد عکس‌های هوایی برای نقشه‌کشی توپوگرافی، و مساکن و ... می‌باشد و تغییرات بوجود آمده در بین سال‌های مختلف عکس‌برداری هوایی در تحلیل و مقایسه و برنامه‌ریزی‌ها بسیار اعتبار دارد.

۲- **نقشه‌ها:** نقشه‌ها ابزاری هستند برای شناسایی نواحی و تحلیل محتوایی آنها، بسیاری از پراکندگی‌های جغرافیایی نظیر کاربرد زبان‌ها در نواحی خاص جغرافیایی، اعتقادات مذهبی و مهاجرت‌ها که از پدیده‌های فضایی هستند ولی قابل لمس نیستند، با ترسیم بر روی نقشه‌ها، معنای واقعی خود را نشان می‌دهند. بنابراین نقشه ابزار اساسی و متمایز جغرافیدانان گشته است و از طریق نقشه است که می‌توان پراکندگی پدیده‌ها و عملکردهای فضایی موجود بین آنان را که در سطح زمین مطرح هستند با بهره‌گیری از مقیاس کوچکتر نمود و آنها را نمایش داد.

مقیاس نقشه:

مقیاس نقشه در واقع به معنای خلاصه‌تر کردن اندازه و اطلاعات جغرافیایی واقعی کروی زمین بوده که به راحتی برای مطالعه و بررسی قابل استفاده باشد و هر اندازه عدد مخرج مقایس کوچکتر باشد آن نقشه واقعیات را بزرگتر نشان می‌دهد مثلاً نقشه‌ای به مقیاس $\frac{1}{۲۰۰۰}$ در سیستم متریک گویای آن است که به ازای هر یک سانتیمتر فاصله بین ۲ نقطه در روی نقشه معادل ۲۰۰۰ سانتیمتر از همان فاصله در دنیای واقعی می‌باشد و معمولاً از مقیاس $\frac{1}{۱۰۰۰}$ و $\frac{1}{۲۰۰۰}$ در تفسیر کاربردی اراضی روستایی، شهری استفاده می‌شود و مقیاس $\frac{1}{۱۰۰۰۰}$ برای نواحی بزرگ و کشورها بکار برده می‌شود و برای نمایش قاره‌ای مقیاس $\frac{1}{۵۰۰۰۰}$ و در مقیاس بین‌المللی ممکن است در مقیاس‌های کوچکتر از این هم استفاده شود.

انواع نقشه‌ها و جغرافیای انسانی:

می‌توان از نقشه‌های موضوعی، نقطه‌ای، خطوط یا منحنی‌های هم‌تراز و طبقه‌بندی شده نام برد. مثلاً نقشه‌های موضوعی یک موضوع ساده را در برگرفته و پراکندگی جغرافیایی آن را نشان می‌دهند مثلاً پراکندگی کشت برنج در دنیا یک نقشه موضوعی است. در نقشه‌های نقطه‌ای از نقطه‌هایی برای بیان توزیع فضایی پدیده‌های مورد مطالعه استفاده می‌شود، معمولاً علائم راهنمای نقشه ارزش کمیتی آن نقطه‌ها را توضیح می‌دهند مانند تراکم جمعیت در نقاط مختلف کشور یا جهان. نقشه‌های منحنی‌های هم‌تراز (میزان) علاوه بر آن که در جغرافیای طبیعی بسیار کاربرد دارند در بررسی‌های جغرافیای انسانی نیز دارای اهمیت می‌باشند. در این گونه نقشه‌ها نقاطی را که دارای ارزش یکسان هستند؛ با خطوطی به هم وصل می‌کنند و در نتیجه منحنی‌های ایجاد شده ارزش‌های بالا، متوسط و پائین را درباره پدیده مورد مطالعه نشان می‌دهند مثلاً نقشه‌های منحنی‌های هم‌تراز در مورد درآمد سرانه‌ی کشورهای جهان، میزان مصرف انرژی سرانه در دنیا، جمعیت کشورهای جهان و ... استفاده می‌شود.

نقشه‌های طبقه‌بندی شده:

در این نقشه‌ها اطلاعات مورد استفاده در ابتدا گروه‌بندی می‌شوند و سپس با استفاده از رنگ‌ها یا علائم سایه و روشن آنها را روی نقشه اصلی نمایش می‌دهند البته با کمک راهنمای نقشه.

انسان‌های اولیه و تمدن‌های قدیمی:

پیدایش انسان کنونی یعنی هوموساپین‌ها را می‌توان مربوط به دوره کواترنر که شاهد عصرهای یخبندان و ذوب آنها بوده دانست که شامل دو دوره‌ی پلیستوسن Pleistocene یعنی از حدود دو میلیون سال پیش تا یازده هزار سال پیش و دوره هولوسن Holocene که از یازده هزار سال پیش تاکنون بوده است.

انسان‌های هوموساپین در حدود ۲ میلیون سال پیش احتمالاً در آفریقا ظهور یافته‌اند و پس از آن در گستره‌ی وسیعی از کره‌ی زمین متفرق شده‌اند. این گسترش را می‌توان متعلق به قلمروهای حاره‌ای و نیمه حاره‌ای و در روی نیمکره‌ی شرقی دانست.

انواع مهم انسان‌های هوموساپین که دارای زندگی غارنشینی نیز بوده‌اند عبارتند از:

آسترالوپیتکس (Australopithecus) – هومو ارکتوس (Homo Erectus) یا انسان کهن – نئاندرتال (Neanderthal) بوده‌اند. در آفریقا اولین غارهای مسکون شده در ترانسوال (جمهوری آفریقای جنوبی) بوده که دارای تاریخی در حدود یک میلیون سال پیش می‌باشد، در این ناحیه استخوان‌های انسان فسیل شده آسترالوپیتکس و ابزار سنگی که ممکن است ساخته دست او باشد به همراه استخوان‌های فسیل شده حیوانات یافت شده است. همچنین غار دیگری دارای سن مشابه که بطور متناوب مورد استفاده انسان‌های اولیه قرار داشته در فرانسه کشف گردیده است.

در حدود ۵۰۰ هزار سال پیش غاری در نزدیکی پکن مورد سکونت انسان‌های اولیه بوده که در آن فسیل‌های انسانی یافته شده تأییدکننده خصوصیات انسان پکن یا هومو ارکتوس می‌باشد. بنابر دلایلی موجود در این غار استفاده از آتش برای این انسان‌ها شناسایی شده بود و آنها از آتش برای ایجاد گرما احتمالاً تهیه غذا و دور کردن جانوران وحشی از اطراف خود بهره می‌گرفتند.

این انسان‌ها برای تأمین غذای خود از شکار حیوانات و جمع‌آوری غذاهای گیاهی بهره می‌بردند و به ناچار در فصول مختلف سال کوچ می‌کردند بنابراین گاهی از اوقات زندگی خود را در غارها و ایام دیگر را در فضای آزاد می‌گذراندند. بسیاری از غارهایی که بهتر شناسایی شده‌اند نسبت به غارهای اولیه مربوط به زمان پلیستوسن فوقانی بوده که در امتداد اروپای

جنوبی، آسیا و آفریقا پیدا شده‌اند. در ۳۵ تا ۷۰ هزار سال پیش انسانهای نئاندرتال دارای پراکندگی وسیعی در روی زمین بوده‌اند. فسیل‌های انسان نئاندرتال در غارهایی از فرانسه، یوگسلاوی، کریمه، لبنان، ازبکستان، چین، مراکش و بسیاری از جاهای دیگر شناخته شده‌اند. تا این زمان آتش مورد استفاده متداول بوده و انجام مراسم تدفین مردگان متکی بر یک فلسفه فکری از خصوصیات نوگرایی فرهنگی این مردمان در دوره ماقبل تاریخ محسوب می‌شود.

در سالهای آخرین دوره پلیستوسن فوقانی یعنی از ۳۵ هزار سال پیش تعداد نئاندرتال‌ها کاهش یافت و انواع دیگری از هوموساپین‌ها که از لحاظ فیزیک بدنی کاملتر بودند در حد وسیعی در نواحی مختلف جغرافیایی توزیع یافتند. در پایان دوره پلیستوسن انسانها نواحی وسیعی از اروپا و آسیا را اشغال کرده بودند و از طریق تنگه برینگ به دنیای جدید راه یافته بودند که در واقع همان سرخپوستان آمریکایی هستند که اولین ساکنین قاره‌های آمریکا بودند که قبل از ورود نژاد سفید (اروپایی) در این قاره ساکن شده بودند.

زمان یا عهد سنگی یعنی مرحله‌ای در توسعه فرهنگ انسانی که ابزار و سلاح‌ها از سنگ، استخوان، عاج و چوب ساخته می‌شوند و با توجه به سابقه زمانی و چگونگی ساختن ابزار سنگی و کاربرد آنها به توسط انسانهای اولیه سه دوره ارائه گردیده است:

۱- پارینه سنگی Paleolithic

۲- میانه سنگی Mesolithic

۳- نو سنگی Neolithic

۱- زمان پارینه سنگی (کهنه سنگی): این زمان را می‌توان مربوط به ۷۵۰,۰۰۰ سال پیش الی ۱۵,۰۰۰ سال پیش دانست. در قسمتی از این دوره که به پارینه سنگی تحتانی معروف است (۷۵۰,۰۰۰ سال پیش تا ۵۲,۰۰۰ سال پیش) انسانهای اولیه به صورت گروههای کوچک با شکار جمع‌آوری مواد غذایی از جنگل‌ها و با ساختن ابزار سنگی خرد شده خشنی که نتراشیده استفاده می‌شدند، وجود داشتند. در عهد پارینه سنگی میانی (از ۵۰,۰۰۰ سال پیش تا ۳۰,۰۰۰ سال پیش) پیشرفت تدریجی در ساختن سلاح‌ها، تبر، ابزار سوراخ‌کننده نوک تیز، خراش‌دهنده لبه تیز و سایر ابزار چوبی و استخوانی و بالاخره سوزن برای دوختن لباس از پوست و پشم حیوانات حاصل گردید.

پارینه سنگی فوقانی را می‌توان به حدود ۳۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد تا ۱۵,۰۰۰ سال پیش دانست، انسان جدید (نوعی از هوموساپین‌ها) در اروپا، روسیه جنوبی و خاورمیانه دارای گسترش جغرافیایی بود. انسان‌ها در این دوره در زمینه‌ی ساختن ابزار تیغه‌ای، ابزار بلند با لبه‌های تیز و برنده از سنگ‌های قطعه شده و یا شکسته بوده است و از این وسایل در جنگ و شکار استفاده می‌کردند. حاکای کردن بر روی سنگ‌ها و صخره‌ها از ابداعات ابزاری مردم این دوره می‌باشد.

با توجه به اکتشافات اخیر باستان‌شناسی در روستای قلعه عسگر واقع در ۲/۵ کیلومتری جنوب بخش گیلوند از توابع شهرستان دماوند (آبان ماه ۱۳۶۹) ابزار به دست آمده مربوط به (۱۸-۱۴ هزار سال پیش) بوده که نمایانگر فرهنگ پارینه سنگی فوقانی در این قسمت از سرزمین ایران می‌باشد. برخی از این ابزار سنگی دارای تیغه‌های متوسط بین ۳ تا ۸ سانتیمتر خراشنده‌ها، کاردها و ابزار حاکای بوده‌اند.

فرهنگ‌های عصر پارینه سنگی عمدتاً مبتنی بر سازش با شرایط یخبندان بوده‌اند و زندگی مردمان این دوره عموماً مبتنی بر شکار و جمع‌آوری و استفاده از ابزارهای سنگی خشن است و شیوه زندگی مردمان دوره پارینه سنگی را می‌توان تلفیقی از کوچ‌نشینی و غارنشینی قلمداد کرد.

۲- زمانه میانه سنگی: این زمانه سنگی مرحله انتقالی از فرهنگ پارینه سنگی به نوسنگی می‌باشد (۱۵-۱۰ هزار سال پیش از میلاد) در حدود ۱۵ هزار سال یخبندان‌هایی که سراسر اروپا را فراگرفته بودند رفته رفته از بین رفتند بنابراین تغییراتی در آب و هوا حاصل شد و قسمت‌های وسیعی از جلگه و مراتع را جنگل‌ها پوشانیدند و فرهنگ‌های عصر پارینه

سنگی که سازگار با شرایط یخبندان بودند، رو به زوال نهادند. ابزار این دوره عمدتاً کوچک (حدود ۲/۵ سانتیمتر) بوده و از سنگ، استخوان و شاخ حیوانات ساخته می‌شد. ابداع کمان و ابزار قطع‌کننده ویژه عصر میانه‌سنگی می‌باشد.

در این دوره شیوه و فنون ماهی‌گیری پیشرفت کردند.

از ویژگیهای این دوره در ابعاد زندگی مبتنی بر شکار، جمع‌آوری و ماهیگیری است. سفال‌گری، آشپزی (پختن غذاهای مختلف) و خانه‌سازی ابتدایی از دیگر مشخصه‌های این عهد سنگی است که تولید خوراک را می‌توان نخستین انقلاب بزرگ فرهنگ انسانی در ماقبل تاریخ دانست.

۳- زمانه نوسنگی: می‌توان آغاز دوره‌ی فرهنگی زمان نوسنگی را حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد دانست که در هزاره هشتم از میلاد (عهد مس) به مقطع پایانی خود می‌رسد.

این عهد ابتدا در خاورمیانه و سپس در جاهای دیگر اتفاق افتاده است. از مشخصات مهم این دوره ابداع کشاورزی، اهلی کردن حیوانات و ساختن ابزار سنگی صیقلی می‌باشد.

این دوره شاهد تغییرات مهمی در زندگی بشر اولیه بوده همانند اتکای انسان به تولید غذا به وسیله خودش، که او را از وابستگی به شکار، ماهیگیری و جمع‌آوری میوه‌های وحشی و دانه‌های درختی، رهایی بخشید و کشاورزی را یاد گرفت و حیوانات را اهلی کرد و سفال‌گری و بافتن منسوجات از مو و فیبرها، تولید ابزار با کاربرد مفیدتر به توسط چکش کاری و آسیاکردن و صیقلی کردن سنگ‌های سخت و اره و دریل و چوب‌های حفرکننده و کج بیل و شخم‌زن‌ها، جلوه‌های بیشتری را در زندگی مردمان اولیه نشان دادند و ساختن خانه‌ها و روستاهای مستحکم و امن از ویژگیهای فرهنگی این عصر هستند که نمونه‌های آنها در خاورمیانه، آسیای غربی، آفریقای شمالی و اروپا شناسایی شده‌اند.

البته در این انتشار یا پخش نوآوری، مهاجرت گروه‌های مردمی و یا انتقال دانش‌ها در بین مردم نقش خود را ایفا نموده است. آغاز ذوب شدن یخ‌ها و بهبود وضع اقلیمی در عهد نوسنگی امکانات محیطی را برای بشر اولیه بهتر نمود و به زندگی آنها با استفاده از اهلی کردن گیاهان و حیوانات رونق بخشیده و شرایط تأسیس جوامع محلی نیمه ساکن و ساکن را برای آنها فراهم نمود. اولین کشاورزان در جنوب شرقی و غربی آسیا، آمریکای میانه و پرو به رموز آسیاب کردن، سبببافی و پارچه‌بافی و کوزه‌گری پی بردند.

عصر فلزات:

عصر فلزات شامل دوره‌هایی از تاریخ بشری می‌باشد که انسان به رموز استفاده از فلزات برای ساختن ابزار و وسایل و زینت-آلات پی برده است. انسان ابتدا به وجود و استفاده مس پی برده و سپس در مورد ساختن ابزار و وسایل مفرغی (برنزی) و آهنی آگاهی یافته است.

عصر مس: انسانهای عهد نوسنگی در آناتولی در ۸ هزار سال قبل از میلاد به چگونگی ذوب و شکل دادن مس برای ساختن زینت‌آلات و سلاح پی بردند و این نوع استفاده از مس تا ۶,۰۰۰ سال قبل از میلاد ادامه داشت. استفاده از مس در ناحیه بین‌النهرین در ۴,۵۰۰ سال قبل از میلاد متداول بوده است.

عصر مفرغ: مفرغ از تلفیق مس و قلع بدست آمد که در ۳,۰۰۰ تا ۳,۵۰۰ سال قبل از میلاد به عنوان یک موضوع مهم در خاورمیانه کشف شد. تولید و کاربرد مفرغ تا سال ۱,۵۰۰ قبل از میلاد به طور گسترده‌ای در میان تمدن‌های آن روز متداول شده بود و ابزار و سلاح‌ها جهت استفاده کلی از مفرغ ساخته می‌شدند.

عصر آهن: بنیانگذاران امپراطوری هیتی (Hittite) در آسیای صغیر (قسمت‌های مرکزی ترکیه کنونی) در قرن چهارم قبل از میلاد، تولید نمودن ترکیب قابل استفاده‌ای از آهن را می‌دانستند.

خط و نویسندگی:

حدود ۲۰ هزار سال قبل از میلاد انسانهای غارنشین در فرانسه جنوبی و شمال شرقی اسپانیا به ترسیم اشکال حیواناتی بر روی غارها اقدام نموده‌اند. ترسیم اشیای طبیعی سرآغازی برای دسترسی به فن نویسندگی می‌باشد و تحت عنوان تصویرنگاری معرفی شده است.

مرحله دیگر از سرآغاز نویسندگی شامل ترسیم یک مجموعه از تصاویر است که پیام یا داستانی را نشان می‌دهد که به خط ترکیبی یا تصویری معروف است. این گونه نوشتن در قبایل ابتدایی در پولینزی و استرالیا، امروزی، آفریقای غربی و برخی قبایل شمال شرقی سیبری و در بین سرخ‌پوستان آمریکای شمالی و مرکزی وجود داشته است.

نوع تکامل یافته‌تر خط‌نویسی به نام سیستم‌های تحلیلی یا انتقالی است که با ارائه یک تصویر خاصی یک معنا و مفهوم کلی‌تری را در بین یک جامعه بیان می‌کنند و حد واسطه‌ای بین خط تصویری و خط آوایی (Phonetic Writing) بوده است. نمونه‌های مهم این نوع خط در دنیای باستان در بین نوشته‌های مردم بین‌النهرین، مصری‌ها، کرتانه‌ها، ساکنان دره سند، هیتی‌ها و نوشته‌های چینی، مایایی و آزتکی مشاهده شده است.

در حال حاضر نویسندگی الفبایی بین ملل مختلف جهان بکار برده می‌شود.

این نظریه عموماً پذیرفته شده است که تمام الفباهای موجود از یک الفبای اصلی یعنی سامیایی شمالی واقع در ناحیه فلسطین و سوریه در حدود قرن ۱۸ قبل از میلاد منشأ گرفته است. (سابقه تاریخی خط الفبایی به حدود ۴,۰۰۰ سال پیش می‌رسد)

تمدن‌های قدیمی:

قدیمی‌ترین مراکز تمدن بشری در کناره رودخانه‌ها و سواحل دریاها ساخته شده‌اند. مراکز تمدن در خاورمیانه عمدتاً شامل ناحیه بین‌النهرین و کناره‌های رودخانه نیل در مصر، سواحل سند در پاکستان، رودخانه زرد یا هوانگهو در چین بوده‌اند. قسمت‌های مشرف به دریا، برخی قسمت‌های آمریکای مرکزی و جنوبی نیز تمدن‌های بسیار قدیمی دارند.

تمدن‌های خاورمیانه:

در خاورمیانه می‌توان دو ناحیه مرکزی بین‌النهرین و کناره‌ای نیل را مورد مطالعه قرار داد. بزرگترین ابداع فرهنگی سومریان سیستم نویسندگی آنها یعنی خط میخی که مربوط به ۳,۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بوده است. سومریان به تأسیس شهرها در داخل محدوده‌ی کشورشان مبادرت کرده که سابقه ۳,۰۰۰ تا ۳,۵۰۰ سال قبل از میلاد را دارد.

هرودوت یونانی حدود ۲,۰۰۰ سال پیش مصر را هدیه‌ی نیل خوانده است و مصر اولین تمدن خاورمیانه بوده که تحت حکمرانی پادشاهان قدیمی در حدود ۳,۰۰۰ سال قبل از میلاد به یکپارچگی سیاسی دست می‌یابد.

اولین ساکنان شناخته شده آسیای جنوبی شامل مردمانی از آفریقا بوده‌اند که به این ناحیه مهاجرت کرده‌اند. قدیمی‌ترین هسته تمدن بشری در چین در کناره‌های رودخانه هوانگهو (زرد) تشکیل شده است.

سابقه تأسیس شهر در کناره‌ی رودخانه‌ی هوانگهو به ۱,۵۰۰ سال قبل از میلاد مربوط است، که از نظر قدمت تمدن شهری پس از نواحی خاورمیانه و دره‌ی سند قرار می‌گیرد.

دو مرکز تمدنی شامل مایا در آمریکای میانی و اینکا در آمریکای آندی توسط سرخپوستان ایجاد گردید. سرخپوستان مایا (مکزیک) در ۵,۰۰۰ سال قبل میلاد به کشاورزی و تولید ذرت محلی پرداختند. از ۳۰۰ سال قبل از میلاد به بعد شهرنشینی در بین قوم مایا توسط یک گروه نخبه توسعه یافت.